

اگر حاکمیت امری را که به مصلحت جامعه است نتواند الزام کند حاکمیت نیست؛ حاکمیت یعنی الزام کردن| باید با امر حجاب مواجهه ترکیبی داشته باشیم.

دبیر شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:



عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت:

وجوب شرعی حجاب محرز است لذا حجاب یکی از ضروریات دین است و انکار آن انکاری جاهلانه است.

به گزارش اسپادانا خبر، او در گفتگو با روزنامه ایران اظهار داشت:

اینکه گفته می‌شود حاکمیت حق الزام حجاب را ندارد یک اشکال جدی دارد و آن این است که اگر حاکمیت امری را که به مصلحت جامعه است نتواند الزام کند حاکمیت نیست و یک پارادوکس ایجاد می‌کند. حاکمیت یعنی الزام کردن به عنوان مثال حاکمیت الزام می‌کند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین بهداشتی و... اجرا شود؛ قوانین فرهنگی هم از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین، نفی الزام مقوله‌ها به معنای نفی حاکمیت است و به آنارشیسم اجتماعی منجر می‌شود. گفته می‌شود که در حکومت اسلامی حاکم اسلامی حق الزام ندارد چون دلیلی نداریم در حالی که دلیلش «ولایت فقیه» است. وقتی مشروعیت حاکم اسلامی ثابت شد حق الزام هم برایش ثابت می‌شود؛ ملاک الزام هم مصلحت نظام و مسلمین است حال اگر کسی در بحث مبنایی اصل ولایت فقیه شبهه دارد، بحث دیگری است و ربطی به الزام حجاب ندارد. گروهی هم هستند که معتقدند حاکمیت حق الزام دارد، حاکم اسلامی هم بر اساس مشروعیت ولایت فقیه، حق الزام قوانین و احکام را دارد اما چون ملاک الزام حاکم اسلامی «مصلحت اسلام و مسلمین» است در شرایط حاضر مصلحت اسلام و مسلمین اقتضا می‌کند که حکم حجاب الزامی نشود. در پاسخ به این افراد هم باید گفت که وقتی یک حمله و جنگ ترکیبی-شناختی از سوی دشمن برای کشف حجاب و ایجاد ابتدال و نفی عفاف و غیرت شکل گرفته است و الزام به حجاب می‌تواند در اکنون و امروز جامعه ایرانی، این جنس تهاجمات را پس بزند الزامی نکردن حجاب اتفاقاً خلاف مصلحت اسلام و مسلمین است. به این اعتبار، معتقدم مصلحت اسلام و مسلمین اقتضا می‌کند الزام حجاب از سوی حاکم اسلامی صورت گیرد.

او گفت:

برای اینکه بتوانیم فرهنگ حجاب را در هر سه ساحت بینشی، منشی و کنشی در جامعه ارتقا بخشیم، باید از ابزارهای فرهنگی مختلف مثل فیلم، سریال، انیمیشن، مان یا آموزش حکمت حجاب در مدارس و مهدکودک‌ها و... استفاده کنیم. حجاب، ساحت‌ها و لایه‌های مختلف حقوقی، فقهی، سیاسی، اجتماعی، روانشناختی، فلسفی و... دارد و تنها یک لایه آن، لایه فرهنگی است بنابراین تنها نباید به لایه فرهنگی حجاب بسنده کرد و از دیگر ابعاد آن غافل شد. باید با امر حجاب مواجهه ترکیبی داشته باشیم. این خطاست که چون دشمن با حجاب، سیاسی-امنیتی برخورد می‌کند پس ما هم باید با همه افرادی که گرفتار کم‌حجایی شده‌اند، مواجهه سیاسی-امنیتی داشته باشیم. مواجهه سیاسی و امنیتی ما باید متوجه دشمن و افراد اچیرشده از سوی دشمن باشد و حساب دیگر افراد کم‌حجاب را از آنان جدا کنیم و سعی کنیم ضعف‌شناختی و فقر معرفتی آنان نسبت به حجاب را برطرف کنیم. جمع قابل‌توجهی از افراد کم‌حجاب ارتباطی با آن بُعد سیاسی و امنیتی بی‌حجایی ندارند بلکه مسأله‌شان شناختی و فرهنگی است چون متأسفانه ما نتوانستیم برای آنان فلسفه حجاب را تبیین کنیم. گاه آنان در خانواده‌هایی تربیت شده‌اند که فرهنگ حجاب، تفکر اسلامی و کنش اسلامی به درستی برایشان تعریف نشده است حتی در مدارس هم اهمیت حجاب برایشان تبیین نشده است. در این فضا، طبیعتاً ما با فشاری مواجه هستیم که از فقرشناختی و ضعف‌معرفتی نسبت به حکمت حجاب رنج می‌برند. بنابراین باید برای این قشر، مواجهه فرهنگی و شناختی در مورد حجاب را

در اولویت و در دستورکار بگذاریم.

برچسب ها: [حجاب](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[حوزه علمیه](#) [3]